

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اثاقیه خانوادگی

(شامل چهل داستان)

نویسنده: آلیس مونرو

مترجم: شیرین محمدی

سرشناسه

: مانرو، آلیس، ۱۹۳۱ - م.

Munro, Alice

عنوان و نام پدیدآور : اثنایه خانوادگی (شامل چهار داستان) / نویسنده آلیس مونرو؛

مترجم شیرین محمدی.

مشخصات نشر

: شیراز: نادریان، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری

: ۲۰۸ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک

: 978-600-6343-69-3

وضعیت فهرست نویسی

: فیپا

موضوع

: داستان‌های کانادایی -- قرن ۲۰م.

موضوع

: Canadian fiction -- 20th century

شناسه افزوده

: محمدی، شیرین، ۱۳۶۱ - مترجم

رده بندی کنگره

: ۱۳۹۷ الفم/۳/۹۱۹۹ PR

رده بندی دیویی

: ۱۲/۵۴

شماره کتابشناسی ملی

: ۸۲۰۸۶۲۵



اثنایه خانوادگی

نویسنده: آلیس مونرو

مترجم: شیرین محمدی.

انتشارات: نادریان

سال و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۴۳-۶۹-۳

تلفن: ۰۹۱۷۳۱۰۰۷۲۶ و ۰۷۱۳۶۳۴۸۲۹۶

ایمیل: nashrnaderian@gmail.com

فهرست

صفحه	عنوان
۴	مقدمه
۹	اثاثیه خانوادگی
۵۳	نفرت، دوستی، خواستگاری، عشق، ازدواج
۱۳۵	پل معلق
۱۶۷	آسایش

مقدمه

الیس آن مونرو ۱۰ ژوئیه ۱۹۳۱ در کانادا به دنیا آمد. پدرش کشاورز و مادرش معلم مدرسه بود. او نویسندگی را از نوجوانی شروع کرد و اولین داستان او به نام «ابعاد یک سایه» در سال ۱۹۵۰ زمانی که هنوز دانشجوی دانشگاه وستمنستر، بریتانیا، بود منتشر شد. او تا پیش از انتخاب نویسندگی به عنوان یک حرفه، مشاغل مختلفی چون پیشخدمتی و تصدی کتابخانه را تجربه کرده بود و حتی مدتی نیز در مزارع تنباکو مشغول به کار بود. با این حال در سال ۱۹۵۱ دانشگاه را ترک کرد تا ادامه تحصیل دهد. در سال ۱۹۶۳ به ویکتوریا نقل مکان کرد و کتابفروشی «کتاب و قلم» را افتتاح کرد که هنوز مشغول به کار است.

مونرو به ویژه در داستان‌های اولیه‌اش به مضامینی چون بلوغ و کنار آمدن با خانواده پرداخته است. اما با گذر سن، توجه او به میان‌سال‌ها و تنهایی بیشتر شده است. زادگاه مونرو شهر کوچک وینگم در ایالت البریتانیا، کانادا است و فضای داستان‌هایش هم غالباً شهرهای کوچک این ایالت است. داستان‌هایش معمولاً روندی آرام دارند، ولی حادثه‌ای در زیر این سطح آرام جریان دارد. مونرو در طول داستان با ظرافت از این رازگشایی می‌کند و در پایان خواننده را شگفت‌زده برجا می‌گذارد. مضامین خود را از زندگی روزمره مردم انتخاب می‌کند و نگاه ویژه‌ای به مسائل و جزئیات زندگی زنان دارد. اگرچه به مشکلات و دغدغه‌های دختران جوان علاقه دارد، در کتاب‌های اخیرش به مسائل زنان میانسال و سالمند توجه بیشتری نشان داده است. خاطره در داستان‌هایش نقش مهمی

دارد. شخصیت‌هایش را عمیقاً می‌شناسد و درباره زندگی آن‌ها تأمل می‌کند و دیالوگ‌ها را با مهارت به کار می‌گیرد. صداقت در بیان، زبان شفاف و روان و دقت در جزئیات از ویژگی‌های داستان‌های اوست. آلیس مونرو را یکی از «مقدسات ادبیات جهان» نام نهاده‌اند و منتقدان و نویسندگان، سبک ساده و بی‌پیرایه و پیرنگ‌های چند لایه و شخصیت‌های ساده و دیالوگ‌های مناسبش را ستوده‌اند.

ویژگی اصلی نثر مونرو تأکید او بر محل وقوع داستان و شخصیت‌های زن پیچیده هستند. آثار او اغلب با آثار بزرگان ادبیات مقایسه شده و گفته می‌شود در آثار او، منظر آثار چخوف خط داستانی درجه دوم اهمیت را دارد و تقریباً اتفاق خاصی در داستان رخ نمی‌دهد و اغلب تلنگری موجب دگرگونی زندگی شخصیت‌ها می‌شود.

مونرو درباره شیوه نویسندگی خود گفته است: «اغلب پیش از شروع نوشتن یک داستان، کلی با آن نشست و برخاست می‌کنم. به طور مرتب وقتی برای نوشتن ندارم، داستان‌ها مدام در ذهنم رژه می‌روند. جایی که وقتی شروع می‌کنم به نوشتن، کاملاً در آن غرق می‌شوم. این روزها این غرق شدن را با یادداشت برداشتن انجام می‌دهم. چندین و چند دفترچه یادداشت دارم که با خط خرچنگ قورباغه پر شده‌اند، همه چیز را در آن می‌نویسم. گاهی وقتی به این نسخه‌های اولیه نگاه می‌کنم با خودم می‌گویم واقعاً سودی بهم دارند؟ می‌دانید من از آن نویسندگانی نیستم که از موهبت سرعت برخوردار هستند و سریع می‌نویسند.»

در دهم اکتبر ۲۰۱۳ آکادمی سوئد اعلام کرد که جایزه نوبل ادبیات به این نویسنده نام‌آور کانادایی تعلق می‌گیرد. او که در زمان اعلام این خبر ۸۲ ساله

بود یکصد و دهمین برنده جایزه ادبی نوبل، اولین کانادایی برنده این جایزه و سیزدهمین زنی بود که از ۱۹۰۱ تاکنون موفق به گرفتن این جایزه معتبر ادبی شد. پیش تر از این در یک دهه اخیر زنانی چون هرتا مولر و دوریس لسینگ این عنوان را از آن خود کرده بودند.

آلس مونرو را یکی از تواناترین نویسندگان داستان کوتاه امروز می دانند. بسیاری با این عقیده اند که مونرو جامعه کتابخوان آمریکای شمالی را با داستان کوتاه آشنایی داده است. البته خودش می گوید هرگز قصد نداشته صرفاً نویسنده داستان کوتاه باشد؛ فکر می کرده مثل همه رمان خواهد نوشت؛ ولی حالا دیگر می دانم که کارش به مسائل برای نوشتن رمان مناسب نیست. دوست دارد پایان داستان را در ذهنش رسم کند، و مطمئن باشد مثلاً تا کریسمس آن را تمام خواهد کرد، و نمی داند نویسنده ها چگونه چطور روی پروژه های طولانی مثل رمان با پایان باز کار می کنند.

بیشتر داستان های مونرو برای اولین بار در نشر معتبر «نیویورکر» منتشر شده اند. آخرین داستانی که از مونرو در «نیویورکر» منتشر شد «آموندسن» بود که اوت سال ۲۰۱۲ چاپ شد. «زندگی عزیز»، آخرین و بزرگترین مجموعه داستان مونرو بود.

مونرو نویسنده مجموعه داستان هایی مثل «رقص سایه های شب»، «زندگی دختران و زنان»، «رازهای عیان» و «دوستان جوانی من»، «فکر کردی کی هستی؟» و «فرار» است.

زندگی زنان در روستاها و شهرهای کانادا از درون مایه های آثار اوست. بسیاری از منتقدان ادبی آثار مونرو را با آنتوان چخوف مقایسه می کنند. او پس از دریافت جایزه ادبی تریلیوم برای مجموعه داستان «زندگی عزیز»

عنوان کرد از دنیای نویسندگی خداحافظی کرده و گفت: «نه اینکه نوشتن را دوست نداشته باشم، اما به نظرم موقعی می‌رسد که حس می‌کنی به جایی رسیدی که دیگر می‌خواهی به زندگی‌ات به شکل دیگری نگاه کنی؛ و شاید وقتی به سن من برسی، دیگر دلتان نخواهد آن قدر تنها باشید که یک نویسنده تنهاست. انگار حس کنی به پایان درستی در زندگی‌ات نرسیدی و بخواهی بیشتر اجتماعی شوی.»

www.ketab.ir